

# سیر تحول متون درسی تاریخ مغول و ایلخانی در نظام دانشگاهی ایران

قاسم قریب

دانشجوی دکتری تاریخ ایران در دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

پیشکش به فرزانه دانشور، بانو دکتر شیرین بیانی

## سرسخن

پس از تأسیس نظام آموزشی نوین در ابتدای سده چهاردهم خورشیدی در ایران، یکی از کاستی‌های پیش روی آن فقدان متون درسی معین برای دانش‌آموزان و دانشجویان بود. از همین رو، وزارت معارف وقت از زبندگان و نخبگان عرصه پژوهش در تاریخ و ادب ایران درخواست کرد تا کتاب‌هایی را برای تدریس در مدارس به نگارش درآورند. در سال ۱۳۰۶ش، حسن پیرنیا و سیدحسن تقی‌زاده و عباس اقبال آشتیانی مأمور نوشتن یک دوره تاریخ ایران برای نظام آموزشی جدید شدند و به ترتیب وظیفه نگارش تاریخ ایران باستان، تاریخ ایران پس از اسلام تا هجوم مغول،

Ghasem Gharib, "The Transformation of the Mongol and the Ilkhanid Period in Iranian College History Textbooks," *Iran Namag*, Volume 5, Number 1 (Spring 2020), 67-83.

قاسم قریب <ghasem.gharib@mail.um.ac.ir> دانشجوی دکتری تاریخ ایران در دوره اسلامی در دانشگاه فردوسی مشهد است و حوزه مطالعاتی‌اش تاریخ اندیشه و تاریخ فرهنگی ایران پیش از دوران جدید و مباحث نظری و مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با تاریخ را در بر می‌گیرد.

و تاریخ ایران از هجوم مغول تا مشروطیت را بر عهده گرفتند.<sup>۱</sup> پیرنیا موفق به تألیف تاریخ مختصر ایران باستان شد، اما تقی‌زاده به سبب مشغله‌های سیاسی توفیق نیافت.<sup>۲</sup> اقبال نیز تاریخ ایران از ظهور اسلام تا انقلاب مشروطه را تألیف کرد.

فعالیت‌های اقبال برای تدوین کتاب‌های درسی به کتاب پیش‌گفته محدود نشد و چند متن درسی برای دانش‌آموزان تألیف کرد که بعدها در دانشگاه‌ها نیز استادان و دانشجویان از آنها استفاده کردند. از نظر عبدالحسین نوایی، باید عباس اقبال را پیشگام تدوین کتاب درسی تاریخ در ایران دانست:

یک نکته مهم را باید توجه داشت و آن اینکه وقتی اقبال و امثال وی شروع به کار تدریس و تألیف کردند کتاب درسی وجود نداشت... عباس اقبال، به نظر من، پایه‌گذار کتاب‌های درسی تاریخ برای دبیرستان‌ها بود... دوره کتاب‌های درسی که او نوشت در زمانی بود که هیچ چیز نبود و این بزرگ‌ترین خدمتی است که می‌شود تصور کرد.<sup>۳</sup>

بعدها فعالیت‌های اقبال در زمینه نوشتن متون درسی توسعه یافت و افزایش تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه و بالا رفتن تقاضاها او را به تألیف کتاب‌های تخصصی‌تر سوق داد. یکی از کتاب‌هایی که اقبال برای دانش‌آموزان تألیف کرد اما به علت حجم زیاد و جزئیات بسیارش به متنی دانشگاهی تبدیل شد، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری* است. کتاب مزبور نخستین متن درسی برای تاریخ عصر ایلخانان در نظام دانشگاهی ایران است. کنکاش در خصوص نگرش و روش نویسندگان متون درسی تاریخ در نظام دانشگاهی ایران پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد. در این مجال کوتاه در نظر دارم سیر متون درسی عصر ایلخانان ایران را از آغاز تأسیس نظام دانشگاهی نوین تاکنون بررسی کنم.

### عباس اقبال: پایه‌گذار متن درسی تاریخ مغول و ایلخانی

در آغاز تأسیس رشته تاریخ، متن درسی معینی برای دوره ایلخانی در دست نبود،

<sup>۱</sup> حسن شایگان، *اقبال و تاریخ‌نگاری* (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۳)، ۱۴۳.  
<sup>۲</sup> مدت‌ها پس از تاریخ مزبور، کتابی با عنوان *از پرویز تا چنگیز* از تقی‌زاده منتشر شد که اولاً بازه زمانی تحولات کتاب با نام کتاب منطبق نبود و ثانیاً کمترین شباهتی به متن درسی تاریخی نداشت.  
<sup>۳</sup> مرتضی رسولی، "از مرارت روزگار تا مجله یادگار: مصاحبه با زنده‌یاد عبدالحسین نوایی"، *تاریخ معاصر ایران*، سال ۸، شماره ۳۱ (۱۳۸۳)، ۲۲۴.

زیرا واحدی درسی تحت این نام وجود نداشت. توضیح آنکه تا پیش از استقلال رشته تاریخ از جغرافیا، دروس تاریخ در قالب واحدهایی بسیار کلی عرضه می‌شدند و تاریخ دوره ایلخانی ایران ذیل درسی با عنوان "تاریخ ایران از ابتدای مغول تا ابتدای مشروطیت" قرار داشت و شامل سه ساعت درسی در هفته بود و در طول یک سال تحصیلی ارائه می‌شد.<sup>۴</sup> پس از استقلال رشته تاریخ از جغرافیا، تعداد واحدهای تخصصی رشته تاریخ افزایش یافت، اما همچنان عنوان دروس کلی بودند و دوره ایلخانی ذیل واحد درسی "تاریخ ایران بعد از اسلام تا صفویه" قرار گرفت که حسینقلی ستوده آن را تدریس می‌کرد.<sup>۵</sup>

*تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری* برای متن درسی تاریخ سال دوم دبیرستان (دوره دوم متوسطه) رشته ادبیات در نظر گرفته شده بود. اقبال آشتیانی در مقدمه کتابش بیان می‌کند از آنجا که بسیاری از مطالب برای مخاطب مبهم بوده و نیاز به توضیحات بیشتری داشته است، سرفصل‌ها و محتوای آنها را گسترانیده است. نویسنده که می‌دانست فراگیری حجم انبوه جزئیات مطالب تاریخی عملاً برای دانش‌آموزان دبیرستان ممکن نیست، بخش‌هایی از محتوای کتاب را با قلمی ریزتر از متن اصلی منتشر کرد.

در ابتدا نظر نگارنده این بود که این کتاب را در حدود مواد لازم برای دوره دوم متوسطه ادبی تهیه کنم، ولی در ضمن عمل معلوم شد که گذشتن از سر بسیاری مسائل به اجمال ممکن نیست و منظور اصلی که روشن ساختن پاره‌های کلیات و نمودن روح تاریخ که شرح زندگانی اجتماعی و معنوی مردم باشد با ذکر رئوس وقایع و مسائل نمی‌سازد. به همین نظر، در پاره‌های از قسمت‌ها راه تفصیل اختیار شد و برای آنکه کار محصلین دوره دوم نیز زیاد مشکل نشود، قسمت‌هایی از کتاب را به خطی خفی‌تر طبع کردیم تا محصلین در یاد گرفتن آنها مختار باشند.<sup>۶</sup>

در میان انبوه آثار تحقیقی اقبال، *تاریخ مغول* او بی‌شک در شمار برجسته‌ترین پژوهش‌های اوست. چنان‌که ایرج افشار در یادداشتی که به مناسبت درگذشت اقبال

<sup>۴</sup> منصور صفت‌گل، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران: *تاریخچه مقاطع تحصیلی و گرایش‌های تخصصی* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷)، ۲۶.

<sup>۵</sup> صفت‌گل، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران: *تاریخچه مقاطع تحصیلی و گرایش‌های تخصصی*، ۳۲. عباس آشتیانی، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸)، یازده.

در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتشر کرد، تاریخ مغول را در صدر آثار او قرار داد.<sup>۷</sup>

گسترده‌گی و جامعیت مطالب کتاب تاریخ مغول اقبال آشتیانی آن را به منبع درسی دانشجویان رشته تاریخ و جغرافیا تبدیل کرد. این کتاب خیلی زود به مرجع جدی شناسایی تحولات تاریخی ایران در عصر حاکمیت مغولان بر ایران تبدیل شد، زیرا نخستین پژوهش جدی و منسجم به زبان فارسی در این باره بود. گواه این مسئله اشاره مجتبی مینوی در مقدمه کتاب سیرت جلال‌الدین مینکبرنی به خلأ مطالعات مغول و ایلخانی به زبان فارسی است. پیشنهاد مینوی در آن زمان، ترجمه کتاب ترکستان‌نامه بارتولد به زبان فارسی و افزودن سایر تحقیقات بر آن پژوهش بود.<sup>۸</sup> بنابراین، پایه‌گذار متون درسی در ایران به نخستین نویسنده متن درسی تاریخ مغول و ایلخانی نیز تبدیل شد و کتابش در جایگاه مرجع ثابت درس مزبور برای مدتی طولانی جایگاه خویش را حفظ کرد.

با آنکه اقبال زاده عصر ناصری و تحصیلاتش محصول عصر مشروطه بود، اما سبک نویسنده‌گی او از نثر قاجاری دور و به میزان قابل ملاحظه‌ای نو است. همین مسئله مهم سبب شد تا دانشجویان رشته تاریخ، که بر ایند نظام دانشگاهی متفاوتی بودند، هم از طرز نگارش اقبال استقبال کنند و هم کتابش را در قالب متن درسی بپذیرند. ویژگی مهم تاریخ مغول اقبال که در سایر کارهای او دیده می‌شود، روانی نثر و استواری متن در کنار ساختار بسیار منطقی و سازمان دهی منسجم مطالب است.<sup>۹</sup> محمد قزوینی در یادداشتی که به مناسبت انتشار تاریخ عمومی عباس اقبال برای دانش‌آموزان دبیرستان نوشت، نثر اقبال را نمونه کامل انشای روان در کنار روشنی و سادگی مطلب و محتوا معرفی کرد.<sup>۱۰</sup>

یکی از امتیازات مهم تاریخ مغول اقبال نقل قول از منابع اولیه عصر ایلخانی و بازتاب دادن عین گزارش برخی حوادث است. این روش از چند منظر برای دانشجوی تاریخ مفید بود که مهم‌ترین آن آشنایی بیشتر با نثر تاریخی دورانی است که مشغول مطالعه تاریخ آن است. گرچه در تصور آرمانی، دانشجوی تاریخ موظف به متن خوانی تاریخی

<sup>۷</sup> ایرج افشار، «وفات آقای عباس اقبال آشتیانی استاد دانشکده ادبیات»، مجله دانشکده ادبیات، سال ۳، شماره ۳ (۱۳۳۵)، ۷۰.

<sup>۸</sup> شهاب‌الدین محمد نسوی، سیرت جلال‌الدین مینکبرنی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۴)، ک.

<sup>۹</sup> شایگان، اقبال و تاریخ‌نگاری، ۲۰۸.

<sup>۱۰</sup> محمد قزوینی، بیست مقاله قزوینی (تهران: کتابفروشی ابن‌سینا و ادیب، ۱۳۳۲)، جلد ۲، ۲۷۴.

و مراجعه به منابع دست اول برای فهم بهتر تحولات تاریخی است، اما پذیرفتنی است که کاربست روش پیش گفته برای ترغیب دانشجوی مقطع کارشناسی به مراجعه مستقیم به متون تاریخی خالی از فایده نبوده است. امتیاز دیگر نقل قول مستقیم از منابع استناد قوی تر به مطالب و تحلیل‌هایی است که پژوهشگر ارائه کرده و این امر به اقناع بیشتر مخاطب منجر می‌شود.

تاریخ مغول عباس اقبال اثری سیاسی و روایی است و این دو خصیصه ریشه در نگرش‌ها و نیازهای زمانه خلق اثر دارد. اقبال و هم‌عصرانش نخستین نسل از پژوهشگرانی بودند که شاهد تأسیس دانشگاه و نظام آکادمیک در ایران بودند و باید گام نخست را برای تدوین تاریخ ایران در قالب کتابی جامع و قابل تدریس برمی‌داشتند. عباس اقبال برای پاسخ به این نیاز اولیه و مهم، بر اساس منابع اصلی، به تدوین تاریخ ایران همت گمارد و از آنجا که منابع نخستین بر اساس تحولات سیاسی نگارش یافته‌اند و اساساً دوره‌بندی تاریخ ایران بر مبنای تحولات سیاسی است، روایت سیاسی بر قرائت و نگارش اقبال نیز غلبه یافت. تاریخ مغول او جامع‌ترین پژوهش گردآمده درباره تاریخ مغولان از ظهور چنگیزخان تا سقوط حکومت ایلخانی به زبان فارسی است. سیر حوادث کتاب به گونه‌ای است که دانشجوی تاریخ پیشینه قوم مغول و رخدادهای اساسی مرتبط با هجوم آنان به ایران را طی نظامی منطقی مطالعه می‌کند. اقبال تاریخ امپراتوری مغول را تا اعزام هلاکوخان به ایران پی می‌گیرد و از نیمه کتاب با رها کردن تحولات آسیا و مغولان، بر جزئیات هجوم هلاکوخان و تأسیس سلسله ایلخانی تمرکز کرده و سپس، روند فراز و فرود ایلخانان تا سقوط آنان را روایت می‌کند.

در زمانه اقبال، ذکر منبع‌شناسی تاریخ عصری که پژوهشگر در پی بازنمایی آن بود معمول بود و معاصران او همچون حسن پیرنیا به این امر مهم عنایت کردند. پیرنیا در کتاب مفصل تاریخ ایران باستان، که صورت گسترش یافته همان متن درسی دانشگاهی بود، هم منابع تاریخ ایران باستان را به دقت معرفی کرد و هم با ظرافت تام گزارش‌های آن منابع را به نقد کشید.<sup>۱۱</sup> اما اقبال در تاریخ مغول از پرداختن به این موضوع مهم غفلت کرد. یقیناً اقبال به گواه آثارش و شهادت معاصرانش چنان فضل و دانشی داشت که نگارش منبع‌شناسی تاریخ مغول و ایلخانی و نقد آنها برایش امری سهل و آسان بود. شاید آنچه مانع از پرداختن به این مسئله شد، کتاب درسی

<sup>۱۱</sup> احسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان (تهران: نگاه، ۱۳۹۱)، جلد ۱، ۶۳-۹۸.

بودن ماهیت کتاب او و سطح نسبتاً پایین دانش تاریخی مخاطبان آن در آن برهه زمانی بوده باشد. همچنین، کتاب اقبال فاقد ارجاعات است، اما از استنادات او می‌توان دریافت که منابعش یکسره ایرانی است.

محوریت تاریخ سیاسی و بازگویی روایت تاریخ‌نگاران درباری از نقاط ضعف اثر اقبال است که گاهی مخاطب متخصص تاریخ را نیز از مطالعه آن خسته و ملول می‌کند. آنچه از تاریخ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در کتاب‌های اقبال و سایر مورخان این عصر دیده می‌شود در حکم ضمیمه‌ای بر مطالب کتاب است که در پایان همه مباحث فقط اشاراتی به محورهای کلی آنها می‌شود؛ از همین روست که صرفاً فصل پایانی کتاب *تاریخ مغول اقبال* به مسائل تمدنی ایران در دوره حکومت مغولان اختصاص یافته است.<sup>۱۲</sup> اما در این زمینه بر اقبال نمی‌توان خرده گرفت، زیرا همین روش را پیرنیا در *تاریخ ایران باستان* به کار بست و پس از اتمام تاریخ سیاسی روایی محض، فصولی را به فرهنگ و تمدن ایران در زمان سلسله‌های باستانی اختصاص داد.<sup>۱۳</sup>

تبیین تاریخی مهم‌ترین گمشده اثر ارزشمند عباس اقبال آشتیانی است. در پژوهش‌های اقبال به صورت عام و *تاریخ مغول* به صورت خاص، جزئیات تحولات تاریخی، ترتیب زمانی وقایع، استناد به گزارش‌های منابع اولیه تاریخی و اشاره به اختلافات آنها وجود دارد اما آنچه اثر او را از منظر تاریخ‌نگاری آکادمیک از تحلیل دور می‌کند، فقدان نظریه‌ای معین است که خود به فقدان علت‌یابی روشن تحولات تاریخی منجر می‌شود. البته مراد از نظریه به کار بستن نظریه‌های سایر رشته‌های علوم انسانی در تحلیل وقایع تاریخی عصر پیشامدرن، چنان که برخی از معاصران به چاه آن افتاده‌اند، نیست. بلکه منظور تحلیل تحولات تاریخی بر اساس یک یا چند عنصر اثرگذار تاریخی است. به بیان دیگر، پس از مطالعه *تاریخ مغول اقبال*، دانشجوی تاریخ خواهد دانست که در عصر هجوم مغولان به ایران و حاکمیت ایلخانان بر سر این ملک و مردمانش چه رفته است، اما در نمی‌یابد که حوادث تاریخی در پیرامون کدام عامل بنیادین رخ داده و موتور محرکه این رویدادها چه بوده است. برای نمونه، اقبال گزارش دقیقی از روابط خارجی اباقاخان با پادشاهان مسیحی منطقه خاورمیانه و اروپا به دست می‌دهد،<sup>۱۴</sup> اما خواننده متخصص هم با دشواری سیاست خارجی

<sup>۱۲</sup> اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، ۴۷۹-۵۷۵.

<sup>۱۳</sup> پیرنیا، *تاریخ ایران باستان*، جلد ۱، ۱۹۵-۱۹۸.

<sup>۱۴</sup> اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، ۲۰۲-۲۰۴.

این ایلخان و علت روابط مزبور را درک می‌کند. تحلیل مسائل و طرح نظریه در کتاب *تاریخ مغول* بسیار کم‌فروغ است، تا جایی که حادثه بسیار بزرگ تغییر دین غازان خان، که سنگ بنای تحولات سیاسی مهمی در ایران و منطقه را بنیان نهاد، در چند سطر گزارش توصیفی خلاصه شده است.<sup>۱۵</sup>

### آثار ترجمه‌ای تاریخ مغول: رقیبان ناکام اقبال

از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، چند کتاب معتبر مرتبط با تاریخ مغول از زبان‌های اروپایی به فارسی بازگردان شد، اما انسجام ساختار و محتوای *تاریخ مغول* عباس اقبال مانع از آن شد تا ترجمه پژوهش‌های شاخص غیرفارسی جای این کتاب را بگیرند و در ایران به متون درسی دانشگاهی تبدیل شوند.

یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های یادشده کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، تألیف پطروشفسکی، است که کریم کشاورز آن را از روسی به فارسی بازگرداند و در سال ۱۳۴۴ش منتشر شد. اثر پطروشفسکی به‌رغم تحلیل‌های عمیق، به سبب پرداختن به بخشی از تاریخ عصر ایلخانی (تاریخ اقتصادی و تمرکز بر کشاورزی و زمین‌داری) ظرفیت تبدیل شدن به متن درسی دانشگاهی را نداشت. افزون بر این، ظاهراً این کتاب با هدف پاسخ به دغدغه‌های مارکسیستی ترجمه شد، زیرا احسان نراقی در مقدمه‌ای که بر آن نوشت از امتیازات تحقیق پطروشفسکی برای بی‌اعتبار ساختن نظرات بارتولد در *ترکستان‌نامه* اظهار مسرت کرد.<sup>۱۶</sup>

یک سال پس از انتشار کتاب پطروشفسکی، شیرین بیانی، استاد آن‌زمان تاریخ مغول در دانشگاه تهران، *نظام اجتماعی مغول: فتودالیسم خانه به دوشی* از ولادیمیر تسوف را به فارسی ترجمه و منتشر کرد. این کتاب هم نتوانست جایگزین *تاریخ مغول* عباس اقبال شود، زیرا اولاً به تاریخ مغولان به صورتی عمومی پرداخته بود و بر ایران عصر ایلخانان تمرکز نداشت و ثانیاً، با نگرش مارکسیستی به نگارش درآمده بود. گروسه در مقدمه خود بر این کتاب به نگرش‌های چپ نویسنده اشاره می‌کند.<sup>۱۷</sup>

کتاب گروسه با عنوان *امپراتوری صحرانوردان*، که عبدالحسین میکده در ۱۳۵۳ش

<sup>۱۵</sup> اقبال آشتیانی، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، ۲۵۹.

<sup>۱۶</sup> ای. ب. پطروشفسکی، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول: قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی*، ترجمه کریم کشاورز (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴)، الف-د.

<sup>۱۷</sup> باریس یاکوولویویچ ولادیمیر تسوف، *نظام اجتماعی مغول: فتودالیسم خانه به دوشی*، ترجمه شیرین بیانی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ۱-۶.

آن را به فارسی بازگرداند نیز به جایگاه متن درسی دانشگاهی ارتقا نیافت، زیرا تاریخ ایلخانان ایران بخش کوچکی از متن بیش از هزار صفحه‌ای آن را شامل می‌شد و چنین حجمی از مطالب برای سرفصل‌های درسی دانشجویان تاریخ ایران بلااستفاده و فراگیری آن عملاً ناممکن بود.<sup>۱۸</sup>

ترکستان‌نامه تألیف بارتولد از دیگر آثار ترجمه مرتبط با تاریخ مغول بود که نسبت به منابع پیش‌گفته ارتباط بیشتری با تاریخ عصر ایلخانی داشت و از نظر ساختار مطالب و استفاده از منابع اولیه بی‌نظیر بود.<sup>۱۹</sup> این اثر دو جلدی نیز به‌رغم اهمیت فوق‌العاده‌اش به سبب تمرکز بر تحولات آسیای میانه از یکسو و گستردگی حجم آن از سوی دیگر به متن درسی عصر ایلخانی بدل نشد.

بی‌تردید تاریخ مغول در ایران از برتولد اشیپولر ارزنده‌ترین پژوهشی است که ارتباط تام محتوایی با درس تاریخ ایران در عصر ایلخانی دارد. پژوهش اشیپولر برخلاف بسیاری از سایر آثار ترجمه‌شده، فارغ از دغدغه‌های ایدئولوژیک و ساختار آن، به غایت منسجم و منابع آن دست اول و معتبر است. محتوای کتاب مانند اثر بارتولد آن قدر مفصل نبود که مانع تبدیل شدن آن به متن درسی دانشگاه شود. با این همه، پژوهش اشیپولر از امتیاز جامعیت نیز برخوردار بود و تاریخ سیاسی، دینی، و اداری ایلخانان در چند فصل مجزا در این کتاب به بحث گذاشته شده بود.<sup>۲۰</sup> کتاب اشیپولر در سال ۱۳۵۱ ترجمه و منتشر شد و از هر نظر، شایستگی ارتقا به متن درسی دوره ایلخانی در دانشگاه را داشت، اما چنان‌که باید از آن استقبال نشد. بدین ترتیب، تاریخ مغول عباس اقبال همچنان جایگاه خود را به منزله منبعی درسی حفظ کرد.

شاید نفس ترجمه‌ای بودن آثار پیش‌گفته و نامأنوس بودن دانشجوی ایرانی با سبک طرح مطالب و تحلیل‌های ایران‌شناسان غربی مانع از آن می‌شد تا از چنین کتاب‌هایی برای متن درسی استفاده شود. با این همه، همین که نام این آثار در فهرست منابع آزمون کارشناسی ارشد و دکتری تاریخ ایران پس از اسلام و حتی در شمار منابع آزمون جامع دکتری تاریخ آمده‌اند نشان از پذیرش آنها به عنوان منابع درسی مکمل در بسیاری از دانشگاه‌های ایران است.

<sup>۱۸</sup> زنه گروسه، امپراتوری صحرائوردان، ترجمه و تحشیه عبدالحسین میکده (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳).

<sup>۱۹</sup> واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، ترکستان‌نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه کریم کشاورز (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲).

<sup>۲۰</sup> برتولد اشیپولر، تاریخ مغول در ایران: سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱).



به آثار ترجمه‌ای پیش گفته باید جلد پنجم تاریخ ایران کمبریج را هم افزود.<sup>۲۱</sup> نیمی از جلد پنجم کتاب تاریخ کمبریج به دوره ایلخانی اختصاص یافته و مباحث متنوعی از قبیل تاریخ سیاسی ایلخانان، اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره ایلخانی، دین در عهد مغول، و ادبیات، هنر و علوم دوره سلجوقی و ایلخانی در آن مطرح شده است. *تاریخ ایران کمبریج* از نظر موضوع تقریباً کامل و جامع است، اما تدوین آن به صورت مقالات تخصصی نوشته نویسندگان متفاوت، روش عرضه مطالب آن را از یکسانی زدوده است و از این منظر، از شرایط لازم برای یک متن درسی برخوردار نشد.

در کنار آثار ترجمه‌ای پیش گفته، باید به اثر ارزشمند منوچهر مرتضوی با عنوان *مسائل عصر ایلخانان* اشاره کرد. این تحقیق مبتکرانه در پنج بخش تنظیم شده که فقط بخش نخست آن به مسائل تاریخ سیاسی مربوط است و بقیه به موضوعات فرهنگی و تمدنی و اندیشه‌ای اختصاص یافته است. نویسنده در بخش دوم<sup>۲۲</sup> و سوم<sup>۲۳</sup> کتابش به تحلیل مسئله دین و تصوف و جایگاه آنها در شکل دهی به تحولات تاریخی عصر ایلخانی توجه نشان داده است. مرتضوی نخستین پژوهشگر ایرانی است که تاریخ‌نگاری عصر ایلخانی را به صورت ویژه بررسی کرده و تأثیرات *جامع‌التواریخ* رشیدالدین فضل‌الله را به بحث گذاشته است.<sup>۲۴</sup> شاهنامه‌سرایی در عصر مغول و تیموری از دیگر موضوعات بدیعی است که به بخش پایانی کتاب مرتضوی غنا بخشیده است.<sup>۲۵</sup> اگر کتاب *مسائل عصر ایلخانان* مباحث پیش گفته را چکیده‌تر و بر اساس نیاز دانشجویان تاریخ مطرح می‌ساخت و اندکی از فضای پژوهشی مطلق فاصله می‌گرفت، شاید بخت آن را می‌یافت که اگر نه جایگزین کتاب اقبال، بلکه دست‌کم در مقام مکمل آن مطرح شود.

## شیرین بیانی و گشایش افق نو

شیرین بیانی متولد ۱۳۱۷ش و فرزند خانبابا بیانی است.<sup>۲۶</sup> خانبابا بیانی از

<sup>۲۱</sup> ک. آ. باوسورث و دیگران، *تاریخ ایران: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶).

<sup>۲۲</sup> منوچهر مرتضوی، *مسائل عصر ایلخانان* (تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸)، ۱۶۵-۳۰۷.

<sup>۲۳</sup> مرتضوی، *مسائل عصر ایلخانان*، ۳۰۹-۳۶۶.

<sup>۲۴</sup> مرتضوی، *مسائل عصر ایلخانان*، ۳۶۷-۵۴۴.

<sup>۲۵</sup> مرتضوی، *مسائل عصر ایلخانان*، ۵۴۵-۶۲۵.

<sup>۲۶</sup> امید قنبری، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی شیرین بیانی* (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵)، ۱۱.

دانش‌آموختگان سوربن فرانسه<sup>۲۷</sup> و نخستین رئیس گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران بود که در همان گروه دروس مرتبط با تاریخ قرون جدید اروپا را تدریس می‌کرد.<sup>۲۸</sup> مادرش ملکزاده بیانی نیز از دانش‌آموختگان دانشکده هنرهای زیبای پاریس بود.<sup>۲۹</sup>

بیانی در سال ۱۳۳۳ وارد مقطع کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیای دانشگاه تهران شد و از استادانی همچون علی‌اکبر بینا، نظام‌الدین مجیرشیبانی، علی‌اصغر شمیم و محمدحسن گنجی بهره‌مند شد و در سال ۱۳۳۶ دانش‌آموخته شد.<sup>۳۰</sup> او برای ادامه تحصیل به فرانسه مهاجرت کرد و از رساله دکتری خود با موضوع حکومت آل جلایر با راهنمایی پروفسور کلود کائن در دانشگاه سوربن دفاع کرد.<sup>۳۱</sup> گرچه به گفته بیانی، انتخاب موضوع آل جلایر برای رساله دکتری پیشنهاد و تا اندازه‌ای تکلیف شخص کائن بوده است، اما شواهد حکایت از آن دارد که پیش از رفتن به پاریس با تاریخ دوره ایلخانی بیگانه نبوده و پدرش هم در این زمینه مطالعاتی جدی داشته است. محمدامین ریاحی، از شاگردان خانبابا بیانی، خاطر نشان می‌کند که استادش با آثار حافظ ابرو آشنایی داشته است.<sup>۳۲</sup> اشاره ریاحی به مقاله‌ای است که خانبابا بیانی درباره نویسنده اصلی مقدمه شاهنامه بایسنغری در مجله بررسی‌های تاریخی نوشته است.<sup>۳۳</sup> رساله دکتری بیانی او را به سوی مطالعات مغول و ایلخانی سوق داد و در دانشگاه تهران نیز دروس مزبور را تدریس می‌کرد.

مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، تألیف شیرین بیانی، پس از نیم سده توانست به رقیب جدی تاریخ مغول عباس اقبال در زمینه متن درسی دانشگاهی تبدیل شود و خیلی زود پیروز این میدان شد. بیانی کتاب را در ۱۳۷۹ تألیف کرد و سازمان سمت آن را متن درسی دانشجویان کارشناسی تاریخ قرار داد. پیروزی مزبور نه ناشی از اجبار دانشگاه‌ها و استادان تاریخ بر استفاده از کتاب‌های تدوین‌شده سازمان سمت،

<sup>۲۷</sup> کریم فیضی، گردونه روزگار: گفت‌و شنود با خانم دکتر شیرین بیانی (تهران: اطلاعات، ۱۳۹۲)، ۱۵۹.

<sup>۲۸</sup> هوشنگ اتحاد، پژوهشگران معاصر ایران (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵)، جلد ۹، ۳۹۸-۳۹۹.

<sup>۲۹</sup> فیضی، گردونه روزگار، ۱۴۳.

<sup>۳۰</sup> قنبری، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی شیرین بیانی، ۱۷.

<sup>۳۱</sup> قنبری، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی شیرین بیانی، ۱۷.

<sup>۳۲</sup> محمدامین ریاحی، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ۳۶۳.

<sup>۳۳</sup> برای آگاهی از محتوای مقاله مزبور بنگرید به خانبابا بیانی، «شاهنامه بایسنغری و حافظ ابرو، بررسی‌های تاریخی، سال ۶، شماره ۳ (مرداد و شهریور ۱۳۵۰).

بلکه به سبب امتیازات بارزی بود که ساختار و محتوای کتاب جدید بیانی دارا بود. این استدلال مبتنی بر این است که بیشتر کتاب‌های منتشره سازمان سمت در رشته تاریخ مورد اقبال استادان و دانشجویان واقع نشده که شاید یکی از علل آن غلبه تاریخ سیاسی بر ساختار این کتاب‌ها بوده باشد. البته نویسندگان کتاب‌های درسی رشته تاریخ جزو برگزیدگان و نخبگان دانشگاهی بوده و هستند و محوریت تاریخ سیاسی در آثار آنان را باید ناشی از رعایت سرفصل‌های واحدهای درسی دانست؛ آنان موظف بودند متنی درسی در چارچوبی مشخص و از پیش تعیین شده عرضه کنند. بنابراین، صرف انتشار کتاب بیانی در سازمان سمت نمی‌توانست علت جایگزینی آن به جای تاریخ مغول عباس اقبال بوده باشد. در ضمن، طرح اصلی کتاب شیرین بیانی مبتنی بر ساختار از پیش تعیین شده سازمان سمت نبود، بلکه خلاصه سه جلد دین و دولت در ایران عهد مغول محسوب می‌شد که ۱۲ سال پیش از انتشار مغولان و حکومت ایلخانی تألیف شده بود.

دین و دولت در ایران عهد مغول در بازه زمانی هشت‌ساله منتشر شد، به گونه‌ای که جلد نخست آن در سال ۱۳۶۷ و جلد سوم در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسید. بیانی جلد نخست کتاب دین و دولت در ایران عهد مغول را با مبحث دین مغولان آغاز کرد و تا واقعه سقوط بغداد بر نقش و اهمیت دین در تحولات سیاسی این بازه زمانی متمرکز شد. محتوای جلد دوم کتاب او، چنان‌که از عنوان فرعی اش حکومت ایلخانی: نبرد میان دو فرهنگ پیداست، مبنای شکل‌گیری تحولات را مسائل فرهنگی و در رأس همه آنها دین و مذهب می‌داند. تأثیر اسلام‌پذیری تگودار و غازان بر تاریخ عصر ایلخانی، وضعیت روحانیون و مذاهب اقلیت همچون تشیع و تصوف از محورهای مهم جلد دوم کتاب بیانی است. بیانی تا آنجا پیش می‌رود که حتی تأسیس حکومت سرداران را هم از منظر فرهنگی خیزش اهل فتوت ایران در برابر بیگانگان تلقی می‌کند.<sup>۳۴</sup> جلد سوم دین و دولت در ایران عهد مغول به موضوع سیاست خارجی ایلخانان در جهان اسلام اختصاص یافت. بیانی در سراسر کتاب با استنادات گوناگون مسئله دین ایلخانان را به صورت یکی از حساسیت‌های حکومت‌های مسلمان منطقه مطرح کرده و تأثیر آن در بروز تعامل‌ها و تقابل‌ها را به خوبی تبیین می‌کند. به تعبیری، کتاب دین و دولت در ایران عهد مغول بیش از آنکه شاهدهی بر قدرت قلم بیانی باشد، نشان‌دهنده اجتهاد او در تاریخ است.<sup>۳۵</sup>

<sup>۳۴</sup> شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، (۱۳۷۱)، جلد ۲، ۷۵۵.  
<sup>۳۵</sup> فیضی، گردونه روزگار، ۱۹.

مباحث محوری کتاب سه جلدی دین و دولت در ایران عهد مغول بیانی، که می‌توان آن را حاصل عمر پژوهشی او در زمینه تاریخ مغول و ایلخانی دانست، مختصراً در قامت متنی درسی برای دانشجویان کارشناسی رشته تاریخ قد برافراشت. بیانی کتاب مغولان و حکومت ایلخانی در ایران را در پنج فصل تنظیم کرد و حادثه تاریخی مهمی را نمی‌توان یافت که در گزارش او از قلم افتاده باشد. نویسنده در فصل نخست به معرفی مغولان و چگونگی اتحاد آنان و شرایط ایران و جهان اسلام در آن دوره زمانی پرداخته است.<sup>۳۶</sup> بیانی فصل دوم با عنوان "مغولان در رویارویی با ایران و اسلام" را بر اساس نظریه دین‌محوری در تحولات سیاسی به تفسیر نشسته است. روایت سیاسی او از سیر حوادث کامل می‌نماید، اما آنچه چرایی بروز تحولات را برای خواننده قابل فهم می‌سازد، تبیین روند رخدادها بر اساس یک نظریه است. به باور بیانی، صحنه سیاست امپراتوری مغول، علاوه بر رقابت بر سر قدرت، میدان کشمکش ادیان نیز بوده است و پیروان آیین‌های مختلف برای رسیدن به قدرت و کسب مشروعیت سیاسی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرده‌اند. نفس نظریه بیانی با واقعیت تاریخی منطبق باشد یا نباشد، اولاً ساختار کتابش را منسجم می‌سازد و ثانیاً، به محتوای آن معنا می‌دهد و نتیجه‌اش همانا اشتیاق دانشجوی تاریخ و مخاطب عام برای دنبال کردن تاریخ ایلخانی و تحلیل‌های نویسنده است. بیانی فصل سوم را به مأموریت هلاکوخان و تأسیس حکومت ایلخانی در ایران اختصاص داده و نقش مهم دین در کنش‌های خلافت عباسی و جریان اسماعیلیه را مطرح کرده است. فصل چهارم کتاب مشتمل بر تاریخ عصر ایلخانی، از اباق‌خان تا سقوط این سلسله، است اما بیانی ترجیح می‌دهد گزارش‌های بی‌معنای سیاسی را بر اساس نظریه دین‌محوری تبیین کند و تحولات را بر مبنای آن انسجام دهد. واقعیت آن است که استدلال‌های او در این زمینه بسیار روشن و تلاشش برای به کرسی نشاندن نقش دین بسیار قرین موفقیت است. او در فصل پنجم به سیاست خارجی ایلخانان می‌پردازد و در آنجا نیز نقش دین را در عرصه روابط خارجی حکومت ایلخانی تبیین می‌کند و بسیاری از تعامل‌ها و تقابل‌های منطقه‌ای را در نوسانات دینی می‌جوید. این کتاب با این مختصات نزدیک به بیست سال است که با اقبال دانشجویان تاریخ مواجه بوده و هنوز بدیلی برای آن تدوین نشده است. ارزش کار بیانی زمانی بیشتر هویدا می‌شود که بدانیم نوشتن کتاب درسی در ایران باید بر اساس سرفصل‌های گاه قدیمی و تاریخ سیاسی صورت پذیرد و او با پایبندی نسبی به چارچوب‌های معین و

<sup>۳۶</sup> شیرین بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران (تهران: سمت، ۱۳۷۹)، ۷-۳۱.

دست‌وپاگیر سازمان سمت، موفق به خلق اثری شده است که جذابیت خود را پس از سال‌ها حفظ کرده است.

نقد نظریه دین‌محوری شیرین بیانی مقاله‌ای دیگر می‌طلبد.<sup>۳۷</sup> به همین اندازه کفایت می‌کنم که اگر بیانی در نظریه‌اش نقش دین را با مشروعیت سیاسی و مسئله قدرت بیشتر در هم می‌آمیخت و به دنبال بنیادهای سیاسی قضیه ورود دین به حکومت بود، شاید با واقعیت تحولات تاریخی بیشتر انطباق می‌یافت. حال پرسش اینجاست که آیا نظریه اهمیت دین در تحولات تاریخی جامعه ایران فاقد سابقه بوده و شیرین بیانی را باید مبدع آن دانست؟ یقیناً پیش از بیانی در تحقیقات مرتبط با تاریخ ایران به جایگاه مهم دین در پیدایش و اثرگذاری بر رخدادهای سیاسی و اجتماعی اشاراتی شده است، اما به صورت مشخص و در خصوص حکومت ایلخانی، تمرکز بر این مسئله با صورت‌بندی خاصی که بیانی عرضه کرده بی‌سابقه است. دور از ذهن نیست که بیانی در این زمینه از آثار و تحقیقات پیش از خود الهام گرفته باشد. پیش از بیانی، اشپولر توجه ویژه‌ای به مسئله دین و نقش آن در تحولات عصر ایلخانی داشت. او از میان موضوعات مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، دو فصل مجزا از پژوهش خود را مستقلاً به مبحث دین اختصاص داد.<sup>۳۸</sup> به نظر می‌رسد اشپولر مباحث اجتماعی و اقتصادی را به اندازه دین در این عصر مهم تلقی نمی‌کرده است، زیرا در بقیه فصول کتاب خود به تاریخ حکومت‌های محلی دوره ایلخانی و توصیف ساختار قدرت و سیستم اداری در حکومت ایلخانان بسنده کرده است. به نظر می‌رسد شیرین بیانی از این نگاه اشپولر متأثر شده، آن را اقتباس کرده و توسعه داده باشد.

<sup>۳۷</sup> آنجا پیستور هاتم معتقد است که بیانی در طرح نظریه دین‌محوری در تاریخ مغول و ایلخانی به دنبال تأکید بر نقش شیعیان در واقعه سقوط بغداد بوده و نگاهش کاملاً تحت تأثیر انقلاب ۱۳۵۷ ایران و نقش محوری مذهب شیعه در آن انقلاب بوده است. بنگرید به

Anja Pistot-Hatam, "Historical Thinking in Intercultural Perspective: Iranian Narratives on the Mongol Era," *Middle East - Topics & Arguments*, 3 (December 2014), 108-109.

درباره این مدعا باید عنایت داشت که بیانی هم همچون هر صاحب‌نظری می‌توانسته از تحولات سیاسی عصر خویش تأثیر بپذیرد و آن را در نگرش تاریخی خود دخیل گرداند، اما آثار او نشان می‌دهد که اولاً به دنبال اثبات ایده‌های ایدئولوژیکی ویژه‌ای نیست و تاریخ به منزله دانشی مستقل برایش اهمیت دارد و ثانیاً، کارنامه‌اش گواهی می‌دهد که برکنار از سیاست و طرح‌ریزی برای یک پروژه خاص فکری و سیاسی است. مراد پیستور هاتم از تأکید بر نقش شیعه در هجوم مغول و سقوط بغداد، اشاره به اقدامات خواجه نصیرالدین توسی و تأکید بسیار بیانی بر این مسئله است. رسول جعفریان نیز از زاویه دیگری به نقد این نظریه بیانی پرداخته است. بنگرید به رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی* (تهران: نشر علم، ۱۳۸۸)، ۶۴۲.

<sup>۳۸</sup> اشپولر، *تاریخ مغول در ایران*، ۱۸۵-۲۵۲.

با این همه، بی‌شک مسئلهٔ دین در عصر ایلخانی و جستن رد پای آن در همهٔ ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این عصر هنری است که از اندیشه و قلم بیانی برمی‌آمده است. گواه این امر آن است که در آثار تألیفی اولیهٔ شیرین بیانی، نشانی از نظریهٔ اهمیت دین در تحولات ایران عصر ایلخانی وجود ندارد. زن در ایران عصر مغول نخستین تألیف جدی شیرین بیانی دربارهٔ تاریخ مغول است که به بررسی جایگاه زن در عرصهٔ اجتماع و تحولات سیاسی عصر ایلخانی معطوف است.<sup>۳۹</sup> / ایران در برخورد با مغول: از مرگ چنگیزخان تا آمدن هلاکوخان دیگر اثر تحقیقی بیانی است که حوزهٔ زمانی آن متعلق به پیش از تأسیس حکومت ایلخانی در ایران است و روند آن کاملاً توصیفی و فاقد نظریهٔ خاصی است. این کتاب کوتاه که به صد صفحه هم نمی‌رسد، بر اساس گزارش‌های تاریخ جهانگشا و مشاهدات جوینی تدوین شده است.<sup>۴۰</sup> بیانی کتاب هشت مقاله را در همین سال‌ها به چاپ رساند و با اینکه نیمی از این کتاب با تاریخ مغولان مرتبط است، اما در محتوای آن نشانی از نقش مسائل فرهنگی و اهمیت دین در تحولات عصر مغول نیست. همهٔ این شواهد نشان می‌دهد که افق نظریهٔ اهمیت دین در تحولات عصر ایلخانی به صورت تدریجی و پس از سال‌ها مطالعه، تحقیق و تدریس در عرصهٔ تاریخ دورهٔ مغول برای بیانی گشوده شده است. این احتمال هم وجود دارد که بیانی در طرح این نظریه تحت تأثیر مطالعاتش در حوزهٔ ایران باستان و به‌ویژه عصر ساسانی بوده باشد، زیرا او توأمان مدرس تاریخ عصر ساسانی و ایلخانی بود. بیانی از ابتدای ورود به دانشگاه تهران دروس ایران باستان را تدریس می‌کرد و پس از بازنگری آموزشی و تغییرات عناوین واحدهای درسی در سال ۱۳۵۲، درس "ایلخانان ایران" را ارائه کرد، در حالی که هم‌زمان وظیفهٔ تدریس واحدهای درسی تاریخ ایران باستان را نیز عهده‌دار بود.<sup>۴۱</sup> سابقهٔ بیانی در تدریس دروس ایران باستان سبب شد تا بعدها سازمان سمت وظیفهٔ تدوین کتاب‌های مرتبط با واحدهای درسی ایران باستان را بر عهدهٔ او بگذارد و حاصل آن تألیف دو کتاب درسی مهم برای دانشجویان کارشناسی تاریخ بود. غلظت مسئلهٔ دین در ایران عصر ساسانی و اهمیت همه‌جانبهٔ آن بر پژوهشگران این دورهٔ تاریخی پوشیده نیست و چه بسا بیانی با تأثیرپذیری از تدریس و تحقیق در آن حوزه، نظریهٔ دین‌محوری‌اش را به دورهٔ ایلخانی در ایران بسط داده باشد. منشأ نظریهٔ او هرچه

<sup>۳۹</sup> شیرین بیانی، زن در ایران عصر مغول (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲).

<sup>۴۰</sup> شیرین بیانی، ایران در برخورد با مغول: از مرگ چنگیزخان تا آمدن هلاکوخان (تهران: کتابخانهٔ طهوری، ۱۳۵۳)، ۸.

<sup>۴۱</sup> صفت گل، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران: تاریخچهٔ مقاطع تحصیلی و گرایش‌های تخصصی، ۳۲-۳۴.

باشد، مهم‌ترین مسئله قوت اندیشه او در صورت‌بندی این تئوری و قدرت استدلال او در تقویت آن در لابه‌لای حوادث تاریخی عصر مغول است.

## پس از بیانی

مغولان و حکومت ایلخانی در ایران شیرین بیانی یازده سال یگانه متن درسی دانشجویان کارشناسی تاریخ در زمینه تاریخ عصر ایلخانی بود تا اینکه دانشگاه پیام نور یکی از کتاب‌های درسی این دانشگاه را به دوره تاریخی مورد بحث اختصاص داد. تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان را هوشنگ خسروبیگی و یزدان فرخی، دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور، در سال ۱۳۹۱ برای استفاده دانشجویان تاریخ تألیف کردند.

کتاب درسی دانشگاه پیام نور به لحاظ ساختار و محتوا با کتاب بیانی تفاوت‌های آشکاری دارد. بیش از سه چهارم کتاب خسروبیگی و فرخی به تاریخ سیاسی ایران در عصر ایلخانان اختصاص یافته و فصول آخر حاوی مباحثی پیرامون تحولات اداری، اقتصادی، دینی و فرهنگی این دوره است. نویسندگان ظهور چنگیزخان و چگونگی توسعه متصرفات او و درگیری‌های او با محمد خوارزمشاه را مقدمه ورود به تاریخ ایلخانی در نظر گرفته‌اند.<sup>۴۲</sup> روایت کتاب پیرامون اوضاع داخلی ایران در اواخر عصر خوارزمشاهی<sup>۴۳</sup> و چگونگی ظهور و قدرت‌گیری چنگیزخان<sup>۴۴</sup> و نحوه برخورد مغولان و برافتادن سلسله خوارزمشاهیان<sup>۴۵</sup> گویا و کافی است.

وجود بخش منبع‌شناسی و نقد و بررسی کوتاه منابع یکی از ضروریاتی است که پژوهشگران پیش از ورود به مباحث اصلی باید به طرح آن بپردازند. یکی از امتیازات کتاب خسروبیگی و فرخی نسبت به اثر بیانی اختصاص فصل نخست کتاب به معرفی و نقد منابع عصر ایلخانی است. ضرورت معرفی منابع اولیه مهم و اساسی در ابتدای شناخت هر دوره تاریخی امری کاملاً روشن و بی‌نیاز از توضیح است. از آنجا که مخاطب کتاب دانشجویان مقطع کارشناسی تاریخ‌اند، این فصل مختصراً به نگارش درآمده و حاوی همه منابع تاریخی ایران در عصر حکومت ایلخانی نیست.<sup>۴۶</sup>

<sup>۴۲</sup> هوشنگ خسروبیگی و یزدان فرخی، تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان (تهران: سمت، ۱۳۹۳)، ۳۷-۸۰.

<sup>۴۳</sup> خسروبیگی و فرخی، تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان، ۳۹-۴۵.

<sup>۴۴</sup> خسروبیگی و فرخی، تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان، ۴۵-۶۲.

<sup>۴۵</sup> خسروبیگی و فرخی، تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان، ۶۲-۷۸.

<sup>۴۶</sup> خسروبیگی و فرخی، تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان، ۱-۳۲.

کتاب‌های درسی دانشگاه پیام نور حاوی ابتکاراتی است که یکی از آنها طرح سؤالات امتحانی تشریحی و گزینه‌ای در انتهای هر یک از فصول کتاب است. کتاب‌های سازمان سمت که ساختار کتاب بیانی منطبق با شیوه‌نامه آن نوشته شده چنین ساختاری ندارند و شاید علت آن، دور شدن از وجاهت علمی و اعتبار آکادمیک کتاب‌ها در صورت افزوده شدن چنین پیوستی به انتهای هر فصل از کتاب باشد. اما واقعیت این است که نسل امروز دانشجویان تاریخ، مانند همگنانشان در سایر رشته‌ها، به دنبال محصولات آماده‌ای هستند که در شب امتحان نیز یاریگر آنان باشد.

به‌رغم امتیازات پیش‌گفته، کتاب خسروبیگی و فرخی فاقد روایت تاریخی روشنی است. نویسندگان توانسته‌اند گزارش خوب و منسجمی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی عصر ایلخانان به دست دهند، اما مشخص نیست علت بنیادین این حوادث چیست و هجوم مغول چه نقشی در کلیت تاریخ و تمدن ایران ایفا کرده است. کتاب خسروبیگی و فرخی مختصرشده اثر عباس اقبال است، با این تفاوت که با نثری به مراتب جدیدتر نوشته شده که دانشجوی نسل امروز با آن مأنوس‌تر است. با توجه به پژوهش‌های متعدد و متنوعی که پیرامون تاریخ فرهنگی و تمدنی ایران در عصر ایلخانی به نگارش درآمده است، کتاب درسی پیام نور می‌توانست حجم بیشتری از مطالب تاریخ فرهنگی را در متن بازتاب دهد.

کتاب خسروبیگی و فرخی تألیف دهه ۱۳۹۰ش است و طبیعی است که از تحقیقات جدیدتر انتظار می‌رود که کاستی‌های پژوهش‌های پیش از خود را نداشته باشند. استفاده از منابع تاریخی اولیه عصر ایلخانی برای تدوین تاریخ این عصر از محاسن کتاب خسروبیگی و فرخی است، اما غفلت از منابع مملوکی، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که بروز تنش میان ایران و مصر بالا می‌گیرد و به نبرد نظامی منتهی می‌شود، از نقاط ضعف کتاب است. دور از واقعیت نیست اگر گفته شود نه فقط این کتاب درسی دانشگاهی، بلکه بیشتر پژوهش‌هایی که محققان ایرانی در این زمینه صورت داده‌اند، دچار یک‌جانبه‌نگری و ندیدن روایات مخالف و رقیب‌اند. در این باره کافی است بیان شود که کتابنامه تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان خسروبیگی و فرخی یکسره خالی از منابع مملوکی است.<sup>۴۷</sup> البته این مسئله فقط گریبانگیر پژوهشگران ایرانی و فارسی‌زبان نیست و محققان مصری نیز در تدوین تاریخ عصر مماليک و به‌ویژه در زمینه گزارش تقابل‌های ایران و مصر در منطقه به منابع مملوکی-عربی بسنده می‌کنند و تحلیل‌هایشان یکسویه و بر منابع پیش‌گفته استوار است.

<sup>۴۷</sup> خسروبیگی و فرخی، *تاریخ ایران در دوره مغول و ایلخانان*، ۲۵۷-۲۶۳.



## فرجام سخن

مغولان و حکومت/ایلخانی، اثر شیرین بیانی، نقطه عطفی مهم در روند نگارش متون درسی برای تاریخ ایران در دوره مغول در نظام دانشگاهی ایران محسوب می‌شود. به ندرت در متون درسی تاریخی سازمان سمت می‌توان کتابی را یافت که در آن نویسنده نظریه جدیدی را مطرح کرده باشد. البته چارچوب ویژه کتاب‌های درسی که مبتنی بر یک طرح از پیش تعیین شده که همان سرفصل‌های مصوب آموزشی است، خواه‌ناخواه نویسندگان این گونه کتاب‌ها را از خلاقیت دور می‌کند. هنر بیانی در این است که با رعایت سرفصل‌های آموزشی، اثری تألیف کرده که دارای نظریه‌ای تاریخی است. مطالعه کتاب او برای دانشجوی تاریخ لذت‌بخش است، زیرا مباحثش پراکنده نیست. شاکله نظری کتاب بیانی که مایلیم آن را نظریه بنامم، دین‌محوری است و همین نظریه به سیر حوادث و استدلال‌های او نظم و نسق خاصی بخشیده است. بیانی در کتاب مغولان و حکومت/ایلخانی در ایران نظریه‌ای عرضه می‌کند که مبتنی بر واقعیات عصر ایلخانی است و کتابش فصل نوینی در کتاب‌های درسی تاریخی ایران گشوده است.



**Iran Namag**  
**A Quarterly of Iranian Studies**

To Subscribe Please Visit:  
[www.irannamag.com/en/subscriptions/](http://www.irannamag.com/en/subscriptions/)

**2019 Subscription Rates:**

**Individual**

Online: \$50  
Online & Print: \$200

**Institutional**

Online: \$200  
Online & Print: \$300

**Contact Us:**

[editor@irannamag.com](mailto:editor@irannamag.com)

**Editor-in-Chief: Mohamad Tavakoli**

Department of Near and Middle Eastern Civilizations, University  
of Toronto, 4 Bancroft Ave, Toronto, ON, M5S 1C1